

# منابع پیام امام در کتاب و سنت

ای ره آموز که هر کوبه توره یافت به تو هرگز اندر ره دین، گمراه و حیران نشود

## مقدمه

خدای را سپاس که در این عصر غیبت و دوران غربت، بر ما منت نهاد به وجود فرزانه مردی از سلاله رسول خدا صلی الله علیه وآله که جویدار وجودش از خاندان عصمت و طهارت سرچشمه گرفته و کلمه کلمه فریادهای و السلامه اش انعکاسی راستین از صدای دعوت به اسلام و قرآن اجداد طاهرینش در طول تاریخ می باشد و از این رو، در تیرگیهای ظلمت زمان که در اثر توطئه های دشمنان و تبلیغات مخالفان و غفلت یاران، مرزهای دقیق حق از باطل - که گاهی فاصله شان از دو انگشت تجاوز نمی کند و باطل به صورت حق جلوه می نماید - ناشناخته مانده است را با دقتی بی نظیر مشخص کرده و با قلم گوهریارش، راه خدا را به پیروانش می نمایاند و از لغزش در دست اندازهای خطرناک کفری و انحراف، می رهاند و طریق وسطی را بر روی ما می گشاید که بسوی یمن و یسار روی نیوریم و از سراسیمگی و سردرگمی بدر آئیم.

و چنین است که ما بر این باوریم که او سخنی بگراف نگفته و نمی گوید و از آغاز تا کنون، در راه خدا، ثابت و استوار باقی مانده است و چون از روز نخست، پیمان بسته است که خلیل آسا، برای خدا قیام کند، همان قیامی که حضرت ابراهیم را به مقام خلعت رسانید و او را از جلوه های گوناگون طبیعت، رهانید، همان قیامی که موسی کلیم را به مقام صق و صحو کشاند و همان قیامی که جد بزرگوارش خاتم انبیا صلی الله علیه وآله را یک تنه بر تمام بت های جاهلیت غلبه داد و آن حضرت را به مقام «قاب قوسین او ادنی» رسانید، لذا حق است که خداوند این خلف صالح را به مقام «لنهدینهم سبلنا» برساند و صراط مستقیم خود را بر زبان و قلمش جاری سازد.

و ما گرچه با قلت بضاعت، هرگز خود را لایق توضیح و تفسیر پیام والا و ازجملندش نمی دانیم، با این حال، در خور فهم و ادراک قاصر خویش، بر آنیم که در این مقاله، برخی از فرزادهای مهم پیام را که همه اش منطبق با کتاب و سنت است، با ذکر آیات و روایاتی، انطباق دهیم تا دوستان را اطمینان قلب و بدگمانان را هدایت بخشد. «... قال اولم تؤمن، قال بلی ولكن لیطمئن قلبی».

## تجلیل از روحانیون شهید

در آغاز پیام، حضرت امام، درود و سلام بی پایان خود را بر حماسه سازان همیشه جاوید روحانیت می فرستد، همان ها که در مصاف با دشمن، به لقای

دوست رسیدند و افتخار حضور در مجلس انس محبوب یافتند و به مهمانی جاودانگی حضرتش در کنار انبیا و صالحین «عند ربهم» مشرف شدند. شاید برای بعضی ها عجیب و باور نکردنی باشد که چرا امام آن همه تجلیل از روحانیون شهید می کنند و در مدح و وصف آنان مبالغه می نمایند، ولی آنچه امام گفته اند مبالغه نیست بلکه عین حقیقت است.

گرچه مقام شهید بالاترین و ارزنده ترین مقام و منزلت است که بالاتر از آن را نمی توان تصور کرد، با این حال مرکب نوشته علما - در زبان معصومین علیهم السلام - بر خون پاک شهیدان ترجیح یافته و مداد علما افضل از دعاء شهدا قلمداد شده است.

پاسر اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید: «بوزن يوم القيامة مداد العلماء و دم الشهداء، فیرجح (علیهم) مداد العلماء علی دم الشهداء»<sup>۱</sup> در روز ستاین، مرکب خامه علما و خون سرخ شهیدان، در ترازو گذارده می شوند و مرکب علما بر خون شهدا، سنگین تر می شود.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «هنگامی که روز قیامت فرا می رسد، خداوند مردم را در یک صف جمع می کند، آن وقت ترازوها گذارده می شود، سپس خون شهیدان را با جوهر نوشته عالمان وزن می کنند و مداد علما بر خون شهدا، ترجیح می یابد»<sup>۲</sup>.

و شاید دلیل این برتری همین باشد، که خامه علما، رهگشای شهیدان به سوی شهادت است. مگر در زمان حاضر، خود شاهد نبودیم که اطلاعاتی ها و پیام های امام امت، مردم حزب الله را به میدانهای نبرد خونین با مزدوران رژیم پلید پهلوی گشاند و آن عزیزان با لبیک به ندای امام امت پسر سنگگرفش حسابان ها و کوچه های شهر و روستاها، شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» را با خون خود نوشتند و پیروزی را به ارمغان آوردند؟ و مگر همین پیامها از این بزرگوار نبود که جوانان متعهد و انقلابی را در اولین روزهای پیروزی برای نجات مرزهای وطن اسلامیان در کردستان و دیگر استانهای مرزی از دست اشراک و خائنین، به آنجا کشاند و امنیت را به ما هدیه داد؟ و مگر همین قلم مقدس امام امت نبود که یکباره میلیون ها بسیجی کفن پوش را به جبهه های جنگ با متجاوزین و ابرقدرتها گسیل داشت و شهرها را از دست بعثیه های خونخوار و متجاوز آزاد کرد؟ پس حق است اگر قلم های علمای مسئول و متعهد بر خون شهیدان - که مقدس تر از آن چیزی نیست - برتری یابد چرا که شهدا را همین قلم ها ساخته اند.

و لذا است که می بینیم روایات ما، طلبه ای را که برای خدا درس می خواند و در راه طلبگی از دنیا می رود، به عنوان شهید معرفی می کند و طلبه را مانند مجاهد فی سبیل الله می داند. در روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله آمده است: «اذا جاء الصوت لطالب العلم وهو علی هذه الحالة، مات وهو شهید»<sup>۳</sup>.

اسلام و تشیع، مهمترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کج رویها بوده اند.»

امام صادق علیه السلام می فرماید: «قال رسول الله (ص): يحمل هذا الدين في كل قرن لغوث، يتفون عنه تأويل المبطلين، وتحريف الغالين، وانتحال الجاهلين...»<sup>۱۰</sup> پیامبر خدا (ص) فرمود: در هر قرنی علمانی هستند که مسئولیت دفاع از دین را به عهده می گیرند، تا تأویلهای غلط کجروان و انحرافات غلو کنندگان و نسبت های ناروای جاهلان را از آن دور سازند.

امام عسکری علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «علمای شیعه ما سنگر گرفته اند در مقابل سنگری که ابلیس و یارانش برای هجوم به آنها صف کشیده اند، و همین علما هستند که آن شیاطین را نمی گذارند که بر صفها و افراد ساده لوح شیعیان ما یورش برند و نمی گذارند که ابلیس و طرفداران سرسختش بر شیعیان مسلط شوند. هان! هر یک از شیعیان ما که آماده چنین نبردی شد هزارهزار بار، برتر است از آن کسی که به یکاریا دشمنان و بیگانگان برخاست، چرا که او از دین و عقیده دوستداران و محبتین ما دفاع می کند و آن از بدن ها و اجسامشان.»<sup>۱۱</sup>

### اهانتداران حلال و حرام الهی

«علمای بزرگ اسلام در همه عمر خود، تلاش نموده اند تا مسایل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند.»

و معنای «بدون دخل و تصرف»، همین است که اهانتدار خوبی برای احکام الهی باشند چرا که «حلال محسّد حلال الی یوم القیامة و حرام محسّد حرام الی یوم القیامة» - حلال محسّد (ص) تا روز قیامت حلال است و حرام محسّد (ص) تا روز قیامت حرام است. و علمای راستین، تلاش خود را مبدول داشته اند که نگذارند حلال ها، حرام و حرام ها، حلال جلوه دهند و از بدعتها و کج رویها جلوگیری کرده اند و در این راه نترسیدند و نلرزیدند و مصیبت ها و رنجهای زیادی تحمل کردند و بسیاری از آنان به مرز شهادت و فراتر از آن - که خود شهادت است - فائق آمدند.

امام حسین سلام الله علیه طی روایتی، درباره علمای می فرماید: «... مجاری الأمور والاحکام علی ایدی العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه»<sup>۱۲</sup> - مجاری امور و احکام الهی بسلامت علما است، همان ها که بر حلال و حرام خداوند امین اند.

### قدردانی از کتب علما

امام در فراز دیگر، قدردانی از فقهای عزیز اسلام می کشند که با تحمل زحمات و مشقتها فراوان، احادیث ائمه اهل البیت سلام الله علیهم را در آثار و کتابهای بابرکت خود، ثبت نمودند و این خدمات ارزنده علمی را جهاد فی سبیل الله می نامند.

در امالی صدوق آمده است: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «اگر انسان مؤمن از دنیا برود و یک ورق کاغذی را از خود بجای بگذارد که بر آن علمی نوشته شده باشد، همان ورقه در روز قیامت، پوششی خواهد شد که بین او و آتش جهنم جدائی می اندازد»<sup>۱۳</sup>.

حضرت امیر علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کنند که

بقیه در صفحه ۳۷

اگر مطالب علمی را در حال طلبگی مرگ فرا رسد، شهید مرده است.

حال اگر همین روحانی و طلبه ای که بیشترین فضیلت را در احادیث به خود اختصاص داده و به منزله تنبیها رسیده است «علماء امتی کاتبیه بنی اسرائیل»<sup>۱۴</sup>، نه تنها به گشودن راه شهادت بر دیگران اکتفا کند، که خود نیز قیام شهادت در بر کند و پیشتر از مجاهدین فی سبیل الله گردد و به فیض شهادت نائل آید، چه مقامی را برای او می توان تصور کرد؟ آیا در توان ما هست که مقام و منزلتش را - عندالله - با بیان های قاصر و ناقص خود ترسیم نمائیم؟ اینجاست که می بینیم هر چه امام در این باره بگوید، مبالغه نکرده است و چیزی جز سخن پیامبر و امامان علیهم السلام تکرار ننموده است.<sup>۱۵</sup>

دروود پاک خداوند بر آن رادمردانی که زندگی جاویدان را بر دنیای ننگین برگزیدند و برای رسیدن به والا ترین مقام - که در خور بیان هرگز نیاید - خود را به امواج دریای جهاد فی سبیل الله زدند و به تر کردن تن بسند نکردند تا آنکه از بیخ و خمهای گردنه های دشوار عظمت و تعالی روحی فراتر رفته و به قلعه رفیع و بلندش رسیدند و پیروز شدند و ما هنوز در گردنه های ذلت بار نمایالت نفسانی سرگردان و واپس مانده ایم!

### آرزوی شهادت

امام در فراز درود و سلام خویش چنین می فرماید:

«آنان که حلقه ذکر عارفان و دعای سحر مناجاتیان حنوزه ها و روحانیت را درک کرده اند، در جلسه حضورشان، آرزوی جز شهادت ندیده اند و آنان از عطایای حضرت حق در مهبانی خلوص و تقرب جز عطیه شهادت نخواسته اند...»

آری، تمام بزرگان ما، نهایت آرزویشان، شهادت در راه خدا بود. در روایتی که در صحیح مسلم از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده، می فرماید: «لوددت انی اغزو فی سبیل الله فاقتل ثم اغزو فاقتل ثم اغزو فاقتل»<sup>۱۶</sup> - آرزو داشتم که در راه خدا جنگ کنم سپس کشته شوم و باز جنگ کنم و کشته شوم و باز دیگر جنگ کنم و کشته شوم.

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام - در موارد زیادی از نهج البلاغه - آرزوی کشته شدن در راه خدا می کند. در یک جا می فرماید: «فوالله انی لعلى الحق والى للشهادة لمحبه»<sup>۱۷</sup> - بخدا قسم من بتحقیق برحقم و همانا من دوستدار حقیقی شهادتم.

در جای دیگری ضمن سرزنش اصحاب بی وفای خویش می فرماید: «بخدا قسم، اگر آرزوی شهادت - در هنگامه نبرد بادشمنان - نبود، همانا دوست نداشتم بکروز با این مردم زنده بمانم»<sup>۱۸</sup> و در دعاهای زیادی که از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده، همین معنی آمده است؛ پس بی گمان روحانیت مسئول و متعهدی که خود را پیرو راستین آنان می داند، همواره همین آرزو را از خدای خود داشته است که برخی به آن مقام رسیده و برخی دیگر منتظر وصال محبوب اند، «لمنهم من نفسی نجه و منهم من ینظر و ما بدلوا نبدیلاً»<sup>۱۹</sup>.

### پایگاه های محکم اسلام

«تردید نیست که حوزه های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ

مخبله‌شان نبود و همین امر به آنها انگیزه مبارزه میداد. در یک کلمه «ادای تکلیف».

فراموش نکنیم که انسانهای پاک‌تری در شبکه گاه‌های رژیم بعث عراق سختی‌ها را تحمل کرده و یا در شیخ کوه‌های کردستان بدست مزدوران استخبار جهانی با تیر و آرز و... قطعه قطعه شده‌اند تا ارزشهای اسلامی اقامه شود.

فراموش نکنیم که امت حزب الله فشارهای جنگ شهرها و سختیهای اقتصادی و کمبودهای رفاهی و دهها مشکل و گرفتاری دیگر را با قامتی استوار تحمل کرده و خم به ابرو نیاورده و چشم انتظار تحقق اسلام عزیز و پیامهای امام خود نباشد.

در نظر آوریم نگاه حسرت زده و خشم آلود فرزندان

پیشم و طبقات محروم جامعه را که شاهد تصرف امکانات عمومی جامعه از سوی فرزندان طبقات مرفه بوده که در سایه تمکن مالی و پایگاه اجتماعی خود به پیش میروند تا دور تسلسل باطل بقای فاصله فقر و غنا را پاسداری نمایند؟!؟

در نظر آوریم که چشمان حسرت زده مردم صبور و مقاوم و ایثارگری که در همه صحنه های انقلاب پاسدار آن بوده‌اند و بهنگام رفتارهای تشریفاتی و ژستهای شربی مآبانه ما را رهگیری میکنند که چرا در شرایط سخت اقتصادی و کمبود امکانات رفاهی، جلوی هزینه های تشریفاتی را نمی گیریم؟ و این مردم با بزرگواری خود عملی رفیم درک این مسئله که همه مشکلات مملکت ناشی از ناچاری نیست باز هم در

صحنه های حفاظت از انقلاب مقدس اسلامی مردانه حضور پیدا میکنند و بر ما می بخشد.

بخاطر داشته باشیم که چشمان حسرت زده میلیونها مسلمان و مظلوم جهان در زندانها و با زیر فشارهایی که مشابه آنرا در دوران رژیم شاه تحمّل کرده ایم در سراسر جهان به ما دوخته شده است که نعمت الهی انقلاب اسلامی را چگونه پاس میداریم و تجربه حکومت اسلامی را که آرمان فطری انسانهاست چگونه عبثت می بخشیم؟

و فراموش نکنیم که استقبال مردم از ما بعنوان پسر امام و بخاطر امام است. پس تا دیر نشده است بگوئیم پیامهای حضرت امام را جدی بگیریم که فردا دیر است.

پایان

### بقیه از منابع پیام امام در کتاب و سنت

فرمود: «خداوند جانشینان مرا بیاورد (سه‌بار) از حضرت سؤال شد: جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان که پس از من می آیند و احادیث مرا برای مردم بازگو می کنند»<sup>۱۱</sup>.

داود بن قاسم جعفری می گوید: کتاب «بوم و لیل» یونس را خدمت امام عسکری سلام الله علیه آوردند. حضرت فرمود: این کتاب، نوشته گبست؟ عرض کردم: نوشته یونس مولای آل یقطین است. فرمود: «خداوند برای هر حرف این کتاب، به اونوری در روز قیامت خواهد بخشید»<sup>۱۵</sup>.

در روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «طلب علم نزد خداوند افضل و برتر است از نماز و روزه و حج و جهاد در راه خدا»<sup>۱۴</sup>.

امام خمینی هم پس از تجلیل از این عالمان بزرگ می فرماید: «اگر ما نام این همه زحمت و مهارت را جهاد فی سبیل الله بگذاریم چه باید بگذاریم؟».

ادامه دارد

۱- کتزالعمال - خ ۲۸۷۱۵ و در روایت دیگری نیز آمده است: «وزن جبر الطیاء بدم الشهداء فریح علیه». مرکب عالمان با خون شهیدان در ترازو گذاشته شد، و مرکب عالمان بر آن سنگین تر آمد.

۲- بحار الأنوار - ج ۲ - ص ۱۱ به نقل از امامی صدوق.

۳- میزان الحکمه - ج ۶ - ص ۴۶۵ به نقل از کتاب «ترغیب».

۴- روایت از رسول اکرم «ص» است و در بحار ج ۲ - ص ۲۲ آمده است.

۵- در تفسیر مجمع البیان - ج ۶ - ص ۲۵۳ روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «من جاءه منه وهو يطلب العلم فینه و بین الابهاء درجه» هر که مرگش فرا رسد و در حال طلب علم باشد، من او بین ابیبا یک درجه بیشتر نخواهد بود. دقت فرمائید که این درجه والا برای طلبه ای است که در انشای طلبه بودن، از دنیا برود، حال اگر همین طلبه، در راه خدا شهید بشود و بنا به شهادت از دنیا برود، که هم به شهادت حکمی نائل آید و هم ثواب شهیدی دیگر دارد، اجر و پاداشش را چه کسی غیر از خداوند می تواند تعیین نماید.

۶- صحیح مسلم - ج ۳ - ص ۱۴۹ - روایت دیگری نیز به همین معنی و با کمی اختلاف از حضرت رسول «ص» در کتاب کتزالعمال نقل شده است.

۷- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید - ج ۶ - ص ۹۹.

۸- مصدر سابق - ص ۹۳.

۹- سوره احزاب - آیه ۲۳.

۱۰- رجال کشلی - ص ۴.

۱۱- احتجاج طبرسی - ج ۲ - ص ۱۲۵.

۱۲- تحف العقول، ص ۱۷۲.

۱۳- بحار الأنوار - ج ۲ - ص ۱۴۴ به نقل از امامی صدوق.

۱۴- بحار - ج ۲ - ص ۱۴۵.

۱۵- بحار - ج ۲ - ص ۱۵۰ به نقل از فهرست نجاشی.

۱۶- کتزالعمال - خ ۲۸۷۱۵.

### بقیه از خطر دنیا گرایی

به امید موفقیت خدمتگزاران صدیق و فداکار انقلاب.

ادامه دارد

اسلامی و با توجه به رهنمودهای جانبخش حضرت امام در رفع این مشکلات بکوشند و با تدبیر و برنامه ریزی و دلسوزی و قاطعیت به میدان عمل بیایند و فشر مستضعف و محروم یعنی اکثریت جامعه را از این فشار شکننده اقتصادی خلاص کنند که صحت تنها جز آثار منفی نمره ای بار نمی آورد.

- ۱- خطابه ارسطو - ص ۲۸۸.
- ۲- بحار الأنوار - ج ۱۶ - ص ۲۳۸.
- ۳- بحار الأنوار - ج ۱۶ - ص ۲۳۹.
- ۴- بحار الأنوار - ج ۱۶ - ص ۲۴۲.
- ۵- بحار الأنوار - ج ۱۶ - ص ۲۳۴.
- ۶- مناقب آل ابی طالب.
- ۷- بحار الأنوار - ج ۱۰ - ص ۳۳۰.

۸- مناقب ابن شهر آشوب. به نقل کتاب امیرالمؤمنین.

۱۰ و ۹- تذکره الخواص ابن الجوزی، به نقل کتاب امیرالمؤمنین.

۱۱- نامه ۴۵ نهج البلاغه.

۱۲- احراف/ ۳۲.

۱۳- احراف/ ۳۱.

۱۴- المیزان - ج ۸ - ص ۹۱.

۱۵- المیزان - ج ۸ - ص ۹۲.

۱۶- خطبه ۱۹۰ نهج البلاغه.

۱۷- فصار الحکم/ ۲۸۹.

۱۸- باب خطب ۲۰۹ نهج البلاغه.

۱۹ و ۲۰ و ۲۱ - نامه ۴۵ نهج البلاغه.